

بررسی تطبیقی تأثیر شوراهای اسلامی بر آشنایی شهروندان هرمزگانی با حقوق شهروندی

(با تأکید بر روستاها)

آبتین امیری*

چکیده

این پژوهش از نوع پیمایشی است و به بررسی تأثیر شوراهای اسلامی در آشنایی شهروندان هرمزگانی با حقوق شهروندی می‌پردازد. در این تحقیق پرسش اساسی این بوده که در حوزه‌هایی که شوراهای اسلامی فعالیت داشته‌اند، شهروندان تا چه حد با حقوق شهروندی خود آشنا شده‌اند و از طرفی، آیا تفاوت اساسی و معناداری میان حوزه‌هایی که شوراهای در آن فعال بوده‌اند و مناطقی که به دلایلی شورا در آن فعالیت نداشته است در میزان آگاهی عمومی از حقوق شهروندی وجود دارد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش بعد از تعریف حقوق شهروندی، تحقیقات و مطالعه بطور همزمان در این دو حوزه صورت گرفته است. سپس با مقایسه نتایج، این داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق گویای آنست که در ارزیابی بسیاری از شاخص‌ها مثل جایگاه اجتماعی، سطح سواد، درآمد، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی و ذهنیت تاریخی شهروندان در مناطقی که شوراهای فعالیت داشته‌اند، این شاخص‌ها هر یک عاملی برای آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی خود بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، ساکنان روستاها، شوراهای اسلامی، آگاهی عمومی، نهادهای مدنی.

مقدمه

به لحاظ عملکردی شوراهای اسلامی عنصر سیاست‌گذاری و مدیریت شهری هستند و موفقیت آن‌ها در امور محوله مستلزم برخورداری از اختیارات و ابزارهای ویژه است. شوراهای در هر جامعه‌ای به عنوان یکی از ارکان مردم سالاری شناخته می‌شوند که نقش هدایتگر و کانالیزه‌کننده بخشها و

قسمت‌هایی از مطالبات عمومی را برعهده دارند. بدین ترتیب، شوراها اگر چه دارای قالبی حاکمیتی هستند و انتخابات و فعالیت آن‌ها با نظارت دولتی همراه است، اما در محدوده حقوق عمومی می‌توان آن‌ها را جزء حقوق ملت به حساب آورد. چرا که شوراها چه در عمل و چه در گفتمان مدیریتی، توسعه‌دهنده مشارکت مردم در اداره جامعه می‌باشند و این به مفهوم گسترده نمودن دایره «حق ملت» در مدیریت محلی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل هفتم بر فعالیت شوراها صّحّه گذاشته است. برگزاری انتخابات سراسری شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۸ در کشور به طور چشمگیری فرآیند مشارکت مردم را در مدیریت محلی توسعه داد و سطح محلی را وارد عرصه مدیریت تصمیم‌سازی در کشور نمود. از آن زمان تاکنون شاهد نقش‌آفرینی شوراها در قالب مشارکت مردمی برای مدیریت محلی هستیم. با آغاز فعالیت شوراها کیفیت متمرکز سیستم اداری ایران وارد حوزه تقسیم کار منطقه‌ای شده است و زاویه‌های جدید انگیزشی برای مشارکت و همکاری محلی در مدیریت جامعه گشوده شده است.

یکی از ابعاد مهم و حیاتی شوراها، زمینه‌سازی برای رعایت حقوق شهروندی و آشنایی با این حقوق چه از جانب حاکمیت و چه از جانب مردم است. با این تحلیل که شوراها مقدمه و بستر مشارکت مردم در لایه‌های زیرین جامعه و در سطح مدیریت محلی می‌باشند و این مسئولیت شوراها نقطه تعادل‌کننده برای مدیریت و حاکمیت متمرکز و یکجانبه در کشور است. به عبارتی، فعالیت شوراها در قالب محلی آن از سویی به آشنایی دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی با مشارکت محلی در اداره امور ختم می‌شود، و از سویی دیگر به تقویت سیر خودباوری و انسجام سازمان یافته مردم در مدیریت محلی می‌انجامد.

مشارکت مردم از مجرای شوراها می‌تواند تأثیر عمیقی بر آشنایی با حقوق شهروندی داشته باشد. با فعالیت گسترش شوراها مردم مناطق مختلف با حقوق خود آشنا شده و با زمینه‌سازی برای حضور سازنده آن‌ها در مدیریت محلی، رعایت حقوق شهروندی از ابعاد ذهنی و تئوری خارج شده و آن در مجرای عملیاتی و عینی قرار می‌گیرد. علیرغم فعالیت رسمی شوراها بعد از گذشت یک دهه رابطه شوراها و آشنایی با حقوق شهروندی موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. این پژوهش در صدد است این رابطه را در استان هرمزگان که از استان‌های کمتر توسعه یافته در کشور بوده، مورد بررسی قرار دهد.

در این پژوهش تأثیر متغیرهایی چون فعالیت‌های فرهنگی، ذهنیت تاریخی، سن، تحصیلات، و درآمد در محلی که شوراها در آن فعال هستند، بر میزان آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی ارزیابی می‌شود.

بیان مسأله

منظور از حقوق شهروندی رعایت حقوق اساسی مردم است که در قانون به آن اشاره شده و در کشور ما در قانون اساسی از کلیات آن تحت عنوان "حقوق ملت" یاد شده است. حقوق شهروندی دربرگیرنده حقوق فردی و اجتماعی افراد است که قانون بانص مشخص و از پیش تعیین شده به دفاع از آن برخاسته است. برخی از حقوق دانان، حقوق شهروندی را در قالب حقوق اساسی مردم که در متن قانون اساسی آمده محدود کرده‌اند. به باور این حقوق دانان رعایت حقوق شهروندی مستلزم معیارهای از پیش تعیین شده است. بدین ترتیب که در قانون اساسی یا حقوق مدنی باید پایه‌های حقوق شهروندی به خوبی مشخص شود تا قابل ارزیابی باشد. لذا این حقوق دانان با استناد به مفاد تعیین شده در قانون اساسی اعم از حق مشارکت عمومی، آزادی اندیشه و بیان، حق برخورداری از نظام تأمین اجتماعی، حق برابری، آزادی شغل، آزادی مکاتبات، آزادی اجتماعات، حق مسکن و... حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق اساسی مردم می‌دانند که با استناد به قانون اساسی، دولت‌ها موظف به رعایت آن هستند و عدم رعایت این حقوق از جانب دولت را تخلف حاکمیت از قانون اساسی قلمداد می‌کنند.

دسته‌ای دیگر از حقوق دانان، حقوق شهروندی را محدود به قانون اساسی ندانسته بلکه آن را مرتبط با استانداردهای حقوق بشری در دنیای مدرن تعریف می‌کنند. لذا حقوق شهروندی نه فقط حقوق اساسی تصریح شده ملت در قانون اساسی، بلکه حقوقی است که استانداردهای بین‌المللی آن‌ها را در عرصه جهان می‌پذیرد. حق مالکیت معنوی، حق استفاده از رسانه‌های فرامرزی و اینترنتی و...، از جمله آزادی‌های فردی و اجتماعی هستند که جزء حقوق پیشرو و در حال تحول برای بشر محسوب می‌شوند و در سطح جهان مورد توجه می‌باشند.

از آنجا که شوراهادر کلیه نقاط کشور از جمله استان هرمزگان مجموعه‌ای از اختیارات و مسئولیت‌های محلی را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و... دارا می‌باشند و نظام اداری آن‌ها از پائین به بالا بوده، یعنی از بطن جامعه با مشارکت محلی مردم شکل می‌گیرد، این امر بسترناسبی را برای تأثیرگذاری فرهنگی خصوصاً در مناطق شهری و روستایی استان هرمزگان ایجاد می‌کند تا مردم در حوزه‌های محلی با حقوق شهروندی خود و قابلیت اداری مبتنی بر مشارکت فعال در اداره امور جامعه آشنا شوند. این پژوهش به ابعاد شناخته شده حقوق شهروندی و تأثیر شوراهای محلی بر آشنایی شهروندان هرمزگانی با این حقوق می‌پردازد و این که چه ارتباط ملموسی بین کارکردشوراها از زاویه مشارکت مستقیم مردم و زمینه‌های تحقق حقوق شهروندی در استان هرمزگان وجود دارد.

اهمیت موضوع

"فینیس" حقوق دان آمریکایی می‌گوید: «حقوق بشر و آنچه حقوق شهروندی شناخته می‌شود یکی

از ستون‌های اصلی ساختار نظریه حقوق طبیعی است. نباید بگوییم که حقوق بشر یا اجرای آن تابع خیر عمومی است، زیرا حقوق شهروندی یک جزء بنیادین از خیر عمومی است» (فینیس، ۱۳۷۸: ۴۳). بدین ترتیب آنچه ضرورت طرح رامشخص می‌کند، نیازهای فردی و اجتماعی شهروندان در خصوص دستیابی به حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی از چنان اهمیتی برخوردار است که در غالب قوانین اساسی کشورها فصلی به عنوان «حقوق ملت» مشخص شده است. در این فصل، قانون‌گذار به تعریف مجموعه حقوقی که شهروندان در جامعه دارند و حاکمیت مؤلف به ایجاد، احیاء و پاسداری از آن است، پرداخته است. این حقوق ارزش‌های بنیادینی هستند که رضایت و سعادت شهروندان را در حکومت مدرن و پاسخگور رقم می‌زنند. اما واقعیت اینست که ارزش‌ها بطور مداوم در حال رویارویی با یکدیگر هستند. ایجاد ارزش‌های نوین نیازمند گذر زمان و فرهنگ سازی است. نقش قوانین به عنوان یک عامل حقوقی برای حراست از حقوق شهروندی در جامعه امری مهم است، اما تجربیات عملی که تأثیرات ملموس و عینی را برای شهروندان به همراه داشته باشد، نیازمند راهکارهای خاص خود است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۲۷) تجربه جهانی گویای اینست که پذیرش حقوق شهروندی در جوامع مختلف از کیفیت یکسانی برخوردار نبوده است. برخی از جوامع به سرعت ارزش‌های حقوقی مبتنی بر رعایت حق شهروندان را درک و اجرا می‌کنند و آن را می‌پذیرند، ولی در برخی از جوامع این پذیرش مستلزم گذر زمان و آماده نمودن زیرساخت‌های فرهنگی و فضای ذهنی شهروندان است. حتی در یک کشور نیز، مناطق مختلف ممکن است از شرایط برابری برای پذیرش حقوق شهروندی برخوردار نباشند، لذا ارزیابی این موضوع می‌تواند افقی برای رسیدن به نتایج مطلوب در این حوزه باشد.

ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال نمودن شهروندان برای کشف معیارهای تعیین کننده حقوق افراد نیازمند آموزش آنهاست و این آموزش باید از طریق رسانه‌های گروهی به روح جامعه تزریق شود، و تا این تحقق نیابد نمی‌توان انتظار داشت که شهروندان بر رعایت حقوق شهروندی خود و دیگران مشارکت و اصرار داشته باشند. تازه ترین زمینه مشارکت «مشارکت شهروندان در اداره شهرهاست». این نوع مشارکت، یکی از الزامات زندگی شهری و روستایی است و زمانی تحقق می‌یابد که ساکنان شهر و روستا از حالت افرادی که صرفاً در مکانی به نام شهر یا روستا زندگی می‌کنند خارج شوند و به «شهروند» تبدیل گردند. این تحول نیازمند این است که شهروندان در خصوص حق و حقوق شهروندی خود آموزش دیده باشند. «احساس شهروندی به خودی خود و به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه باید نهادهایی متکفل ایجاد این احساس باشند. نهادهایی مثل آموزش و پرورش، رسانه‌ها، تأمین اجتماعی، انتخابات و نهادهای مردمی می‌توانند چنین هویتی را ایجاد کنند.» (ایزدی، ۱۲: ۱۳۷۵)

مبانی نظری پژوهش

۱- «فاوریکو و لندمن» در «نظریه سیاسی معاصر» می‌نویسند: «شهروندی تقریباً به طور کامل بر

حسب دارا بودن حقوق تعریف می شود. برخورداری شهروندان از حقوق انسانی، در چارچوب عملکردهای قانونی لحاظ شده و حقوق مدنی که برای آزادی افراد الزامی و با نقش قانون و نظام دادگاهی همراه است، با حقوق سیاسی مربوط به کارکردهای پارلمانی در هم آمیخته‌اند تا مفهوم شهروندی را شکل دهند. انسان می تواند فرایند مشابهی را در رابطه با توسعه هنجاری نظریه حقوق بشر مشاهده کند. منتهی تفاوت این دو فرایند در این است که حقوق بشر یک چارچوب «اخلاقی فرا سیاسی» فراهم می کند. اما حقوق شهروندی را باید در حقوق خاص ملی هر کشوری جست و جو و تعریف کرد.» (فاوریکروئلندمن، ۱۳۷۵: ۵۱)

۲- «جک باربالت» جامعه شناس استرالیایی اعتقاد دارد: «ایده شهروندی به اندازه تاریخ یکجا نشینی جامعه انسانی دارای قدمت است. شهروندی محدود به جامعه شهری نمی شود، بلکه شامل حقوقی است که امروزه جامعه شهری و روستایی را در بر می گیرد. حقوقی که درچنین جوامعی برای یک شهروند تعریف می شوند جزو حقوق بنیادین انسان هستند. بررسی سطح حقوق شهروندی در جامعه شهری و روستایی دارای معیارهایی است که مهمترین آن افزایش مشارکت جمعی و فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی در جهت منافع عموم است.» (باربالت، ۱۳۷۷: ۶۲)

۳- «جانوسکی» معتقد است دست یافتن به حقوق مورد انتظار شهروندی تا حد زیادی به قدرت احزاب مختلف سیاسی، گروه‌های ذینفع و جنبش های اجتماعی ای که مردم در آنها درگیرند بستگی دارد. او در کتاب «شهروندی و جامعه بشری» می نویسد: «شهروندی متضمن عضویت فعال یا منفعلانه افراد در یک دولت - ملت است. آن هم با توجه به حقوق و تعهدات جهانشمولی که بر اساس سطح مشخصی از برابری در جامعه توزیع شده باشد. جوامع کوچک می توانند پایه گذار بهبود روند گسترش و تحقق ارزش‌های شهروندی و حقوق وابسته به آن باشد که از تبعات آن می توان به شکل گیری باورهای مثبت درخصوص رفتارهای اجتماعی و تاریخی مسئولان اشاره کرد. این ذهنیت ها بر اساس رفتار سوء مدیریتی در طول تاریخ و تقابل منافع اجتماعی شکل می گیرند و سبب رویارویی منافع شهروندان علیه یکدیگر می شود، حال اینکه اصلاح این ذهنیت هانگرش منفعت عمومی و توجه به حقوق شهروندان را جایگزین تضاد و تقابل می کند.» (جانوسکی، ۱۳۷۲: ۴۵)

۴- «علی ربانی خوراسگانی» استاد یار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان در این خصوص می گوید: «وقتی قرار است درباره نظریه شهروندی سخن بگوییم باید سه محور را مد نظر قرار دهیم. اول از همه پذیرش مجموعه ای از حقوق و تعهدات پایه در جامعه، سپس برقراری توازن بین رعایت حقوق و انجام تعهدات و در نهایت، فرمول بندی معانی و تبعات آن در سطوح خرد و کلان که نتیجه آن باید افزایش مشارکت و خرد جمعی در جهت آشنایی با حقوق شهروندی و رعایت آن باشد. مفهوم شهروندی طی چند دهه اخیر دستخوش تغییرات عمده ای شده است و نگرشهای جدیدی به سوی آن معطوف شده است. امروزه دیگر نمی توان حقوق شهروندی را بر

مبنای تعریف کلاسیک آن بررسی کرد چرا که تعهدات هم اکنون جای خود را به اهمیت مشارکت شهروندان برای تحقق شهروندی کارآمد داده است. (خوراسگانی، ۱۳۷۹: ۱۷)

با این همه در تعریف حقوق شهروندی و واژه شهروند توافقی میان نظریه پردازان اجتماعی وجود ندارد. عده ای از آن‌ها تعریف شهروندی را بر اساس حقوق مدنی کافی نمی دانند. اما با توجه به موارد فوق می توان شهروندی را چنین تعریف کرد: شهروندی دارای مقتضیات حقوقی و اجتماعی است. به این ترتیب وظایفی که دولت‌ها در قبال شهروندان خود دارند حیطه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. از حق آزادی فردی و اجتماعی گرفته تا حق برخورداری از تأمین معاش و محیط زیست سالم همه از جمله حقوقی است که دولت‌ها موظفند آن را برای شهروندان خویش تأمین کنند. شهروندی با این تعریف یعنی طرح سؤالاتی که با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و بویژه ارزش‌ها، در ارتباط است. شهروندی دقیقاً با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است و کمال مطلوب آن هنگامی است که همه شهروندان با جامعه ملی تلفیق شده و ملت آن جامعه را تشکیل می‌دهند.

روش تحقیق

برای این تحقیق از روش پیمایش با رویکرد توصیفی استفاده شده است. از تحقیق پیمایشی عمدتاً در مطالعاتی استفاده می‌شود که در آن‌ها فرادیاسازمان، مورد تحلیل قرار می‌گیرد و یکی از بهترین روش‌های موجود برای پژوهش‌های حقوقی و اجتماعی است. همچنین در این روش نتایج تحقیق که از داده‌های نمونه بدست آمده است، قابلیت کاربردی در جامعه آماری و جمعیت کل را دارد. (Creswell, 2000: B9)

پژوهش حاضر آگاهی شهروندان را نسبت به ابعاد مختلف حقوق شهروندی در قالب گزینه‌هایی چون استفاده مناسب از امکانات آموزشی، حق امکان استفاده برابر از امکانات دولتی، حق حفظ مالکیت خصوصی و.. مورد سنجش قرار داده است.

از متداولترین ابزارهای سنجش آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی می‌توان به پرسشنامه «شاخص توصیف آگاهی» و نیز پرسشنامه آگاهی «مینه سوتا» اشاره کرد. در پرسشنامه «شاخص توصیف آگاهی» پاسخ دهندگان در زیر چند عبارت کوتاه یا وصفی که هر یک، یکی از جنبه‌های آگاهی از حقوق شهروندی را شرح می‌دهد، پاسخ بلی یا خیر می‌دهند. در پرسشنامه «آگاهی مینه سوتا» نیز پاسخ دهندگان درجه آگاهی خود را از چند دسته ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی البته با درجه بندی طیف لیکرت، مشخص می‌کنند. (آزکوب ۱۳۷۰، طالبان ۱۳۷۴، هومن ۱۳۸۱).

در این پژوهش با الهام از پرسشنامه «آگاهی مینه سوتا» و بررسی پرسشنامه‌های متداول داخل کشور، نمونه گیری بصورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. جامعه آماری پرسش‌شوندگان ساکنین روستاهای پیرامونی بندرعباس، بندر خمیر، بندر لنگه، بستک، میناب،

قسم می‌باشند. پرسشنامه‌ها در مناطقی که شوراها در آن فعال بوده اند با حجم نمونه ۱۳۲ نفر و روستاهایی که فاقد شورا بوده‌اند با حجم نمونه ۱۲۹ نفر توزیع شده است (در مجموع ۲۶۱ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند) تا در نهایت با مقایسه پاسخ دهندگان این دو مناطق تأثیر شوراها بر آگاهی شهروندان مورد ارزیابی قرار گیرد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظرمی رسد میان فعالیت فرهنگی شوراها و توجه شهروندان به رعایت حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
 - ۲- به نظرمی رسد میان اصلاح ذهنیت‌های تاریخی و اجتماعی شهروندان مورد مطالعه و توجه آن‌ها به رعایت حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
 - ۳- به نظرمی رسد میان شغل شهروندان مورد مطالعه و آشنایی آن‌ها با حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
 - ۴- به نظرمی رسد میان جنسیت افراد و توجه آن‌ها به حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
 - ۵- به نظرمی رسد میان سن افراد و توجه آن‌ها به حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- دو فرضیه اول با شاخص ضریب همبستگی پیرسون و فرضیه ۳ با F تست و فرضیه ۴ و ۵ با T تست مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تحلیل داده‌ها

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان آگاهی از حقوق شهروندی

شورا ندارد		شورا دارد		میزان آگاهی از حقوق شهروندی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۲/۶	۵۵	۱۵/۹	۲۱	۱۴-۱۸
۴۴/۲	۵۷	۶۰/۷	۸۰	۱۹-۲۲
۱۳/۲	۱۷	۲۳/۴	۳۱	۲۲+
۱۸/۷		۲۰/۱		میانگین
۱۴		۱۴		حداقل
۲۳		۲۴		حداکثر

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان را بر اساس میزان آگاهی آن‌ها نشان می‌دهد. از جمله عواملی که به نظر می‌رسد در نگرش و رفتار افراد نقش داشته باشد، میزان آگاهی آن‌ها از موضوع اصلی تحقیق یعنی حقوق شهروندی است. بر این اساس افراد بر اساس کیفیت و میزان آگاهی از مقوله حقوق شهروندی به گروه‌های ۱۸-۱۴ و ۲۲-۱۹ و ۲۲ به بالا تقسیم شده‌اند. از مجموع افراد مورد بررسی (فراوانی ۱۳۲ و ۱۲۹) ۲۱ و ۵۵ نفر از افراد پاسخگو در گروه ۱۸-۱۴ قرار داشته‌اند (۱۵/۹ و ۴۲/۶ درصد). از طرفی در مناطقی که شورا وجود داشته است ۶۰/۷ درصد افراد در گروه ۲۲-۱۹ و در مناطقی که شورا وجود نداشته است ۴۴/۲ درصد در این گروه قرار داشته‌اند. از مجموع پاسخگویان در مناطقی که شورا وجود داشته و در مناطقی که شورا وجود نداشته به ترتیب ۲۳/۴ درصد و ۱۳/۲ درصد در رده ۲۲ سال به بالا قرار داشته‌اند. در مناطقی که شورا وجود داشته میانگین آگاهی افراد پاسخگو ۲۰/۱ بوده است و حداقل میزان آگاهی افراد ۱۴ و حداکثر ۲۴ بوده است. همین‌طور که مشاهده می‌شود برای مناطقی که شورا در آن وجود نداشته است، میانگین آگاهی پاسخگویان ۱۸/۷ بوده و حداقل میزان آگاهی افراد ۱۴ و حداکثر سن ۲۳ سال بوده است.

جدول شماره ۲: بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت فعالیت‌های فرهنگی و ذهنیت تاریخی با فعالیت شوراها

وابسته‌ها	متغیر مستقل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t تعداد	سطح معناداری
مشارکت در فعالیتهای فرهنگی	شورا دارد	۱۳۲	۱۸/۹۵	۴/۱۲۸	۰/۳۵۹	۷/۳۶۳	۰/۰۰۰
	شورا ندارد	۱۲۹	۱۴/۷۶	۵/۰۰۶	۰/۴۴۱		
ذهنیت تاریخی	شورا دارد	۱۳۲	۹/۶۳	۲/۳۹۱	۰/۲۰۸	۰/۶۱۴	۰/۰۱
	شورا ندارد	۱۲۹	۸/۹۶	۱/۷۹۵	۰/۱۵۸		

نتایج جدول شماره ۲ بر اساس سطح معنا داری گویای آن است که فعالیت فرهنگی شوراها در آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی مؤثر بوده و با آن رابطه دارد. بدین ترتیب می‌توان از اثرگذاری برنامه‌ها تفریحی، تبلیغی، آموزشی، ترویجی، همایش‌ها و... توسط شوراهای اسلامی در مناطق شهری و روستایی یاد کرد. این فعالیت‌ها، افزایش مشارکت فرهنگی و همبستگی اجتماعی و در پی آن آشنایی با حقوق شهروندی را به دنبال داشته است.

در خصوص ذهنیت‌های تاریخی و بدبینی‌های اجتماعی مثل: احساس پارتی‌بازی، باندبازی در میان اعضاء شوراها و ادارات دولتی، بی‌توجهی به حقوق عمومی توسط مأموران دولت، در

حوزه‌هایی که شوراها فعال بوده اند، این نوع ذهنیت‌ها بسیار کم تر بوده است و به طور کلی شوراها نقش مهمی را در اصلاح ذهنیت‌های بدبینانه تاریخی در میان مردم نسبت به نهادهای دولتی و مردمی ایفا نموده اند.

جدول شماره ۳: بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با سن، تحصیلات، شغل، فعالیت فرهنگی و ذهنیت تاریخی

معنا دارد / ندارد	سطح معناداری	خطای استاندارد	فراوانی	وضعیت فعال شورا	متغیر مستقل	متغیر وابسته
دارد	۰/۰۴۲	۰/۱۷۷	۱۳۲	شورا دارد	سن	میزان آگاهی از حقوق شهروندی
ندارد	۰/۹۳۵	۰/۰۰۷	۱۲۹	شورا ندارد		
دارد	۰/۰۰۰	۰/۳۵۹	۱۳۲	شورا دارد	تحصیلات	
ندارد	۰/۰۷۳	۰/۱۵۸	۱۲۹	شورا ندارد		
دارد	۰/۰۰۵	۰/۲۴۲	۱۳۲	شورا دارد	فعالیت فرهنگی	
دارد	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲	۱۲۹	شورا ندارد		
	۰/۲۱۲	۰/۱۰۹	۱۳۲	شورا دارد	ذهنیت تاریخی	
ندارد	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	۱۲۹	شورا ندارد		

نتایج جدول ۳ بر مبنای سطح معنا داری گویای آن است که در مناطقی که شوراها فعال بوده اند، این فعالیت در شاخص‌هایی چون سن و تحصیلات پاسخگویان در آشنایی از حقوق شهروندی تأثیرگذار بوده است. حال اینکه در مناطقی که شوراها فعال نبوده اند، شاخص‌های یاد شده به تنهایی نقش مهمی را در آشنایی پرسش شوندگان با حقوق شهروندی خود نداشته اند.

در این تحقیق، سن و تحصیلات عامل مهمی در آگاهی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود، اما نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد این دو عامل به شدت متأثر از فعالیت یا عدم فعالیت شوراها در مناطق مختلف بوده‌اند و در مناطقی که شوراها فعال نبوده اند، حتی تحصیلات و در آمد نیز نقش مؤثری در آگاهی از حقوق شهروندی ایفا نکرده‌اند.

جدول شماره ۴: بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با جنسیت، شغل و سکونت

متغیر وابسته	وضعیت فعال شورا	متغیر مستقل		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	
		جنسیت	شغل					
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	شورا دارد	جنسیت	زن	۵۱	۲۰/۸۰	۰/۰۵۵	۰/۵۰۲	
			مرد	۸۱	۲۰/۵۳			
	شورا ندارد	جنسیت	زن	۳۸	۱۸/۸۴	۵/۹۱۱	۰/۹۲۷	
			مرد	۹۱	۱۸/۹۰			
	شورا دارد	شغل		کارمند	۷۴	۲۱/۱۱	۶/۴۵۴	۰/۰۰۰
				آزاد	۱۵	۱۹/۳۳		
				کارگر	۶	۱۷/۵۰		
				بیکار	۳۶	۲۰/۶۴		
	شورا ندارد	شغل		کارمند	۳۲	۱۹/۲۵	۰/۸۸۸	۰/۴۴۹
				آزاد	۴۳	۱۹/۲۱		
				کارگر	۳۰	۱۸/۶۰		
				بیکار	۲۴	۱۸/۸۸		

یکی از شاخص‌های مورد ارزیابی در این پژوهش شغل پرسشگران بوده است و هدف این بوده که مشخص شود آیا میان شغل افراد و آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد یا نه؟ نتیجه پژوهش بر اساس سطح معنا داری نشان می‌دهد در حوزه‌هایی که شوراها فعال بوده‌اند این رابطه خود را معنادار نشان می‌دهد پس شوراها بر شغل افراد در آشنایی با حقوق شهروندی خود تأثیر گذار بوده‌اند. اما در مورد گروه‌های مختلف شغلی (کارمند، آزاد، کارگر، بی‌کار) در بخش‌هایی که شوراها فعال نبوده‌اند، پرسش شونده‌گان از درجه پایین تری از میزان آگاهی از حقوق شهروندی برخوردار بوده‌اند. نتیجه این پژوهش گویای کاهش آگاهی اقشار مختلف مردم بر مبنای تقسیم شغلی در آشنایی آن‌ها با حقوق شهروندی در حوزه‌هایی که شوراها فعال نبوده‌اند، می‌باشد. بدین مفهوم که در مناطقی که شوراها فعال نبوده‌اند گروه‌های شغلی علیرغم تفاوت میزان درآمد و جایگاه اجتماعی تأثیر معناداری بر آگاهی عمومی نداشته‌اند. در ارزیابی پژوهش در دو شاخص جنسیت (زن- مرد) در آشنایی افراد با حقوق شهروندی

رابطه معناداری یافت نشد و این رابطه در مناطقی که شوراهای فعال بوده یا نبوده‌اند یکسان بوده است. بدین ترتیب عدم فعالیت شوراهای میزان آگاهی معناداری را بر مبنای جنسیت یا محل سکونت (بین پرسش شوندگان زن یا مرد و ساکنان روستاها و شهرها) ایجاد نکرده است.

بحث و نتیجه گیری

حقوق شهروندی به یکی از ارزشهای ذاتی بشر در دنیای امروز تبدیل شده است. بر همین مبنا آشنایی شهروندان با این حقوق امری اجتناب ناپذیر است. پرسش‌های اساسی این تحقیق حول این محور بوده است که شوراهای اسلامی به عنوان یک نهاد مدنی بعد از سه دوره آزمون مربوطه به مدیریت و برنامه ریزی در مناطق شهری و روستایی در استان هرمزگان چه تأثیری بر آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی داشته‌اند و آیا نتایج کار این شورا توانسته است در این خصوص افق‌های روشنی را فراروی شهروندان تحت پوشش خود قرار دهد؟ آیا فعالیت شوراهای به آشنایی و رعایت حقوق شهروندی در میان شهروندان ختم شده و چه شاخصه‌هایی در این آشنایی نقش مؤثر داشته است؟ برای بررسی این تأثیر گذاری پرسشنامه‌ها براساس دو منطقه متفاوت که شوراهای در آن فعال بوده‌اند یا شورا در آن وجود نداشته‌اند توزیع شده‌اند، تا اثرگذاری شوراهای در افزایش آگاهی عمومی و اقشار مختلف مردمی برای آشنایی با حقوق شهروندی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مهمترین نکته این پژوهش، تأثیر مثبت شوراهای اسلامی بر توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی استان هرمزگان، و در نتیجه آگاهی افرادی است که شوراهای در شهر و یا روستاهای آن‌ها فعالیت داشته‌اند (در خصوص مقوله حقوق اجتماعی و شهروندی) بوده است.

همینطور که در بخش تعاریف اشاره شد حقوق شهروندی در تعریف مدرن آن از مجموعه حقوق زیست اجتماعی و مدنیت در جهان امروز تشکیل می‌شود که حقوق خصوصی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و ... را می‌تواند زیر مجموعه خود داشته باشد. اهمیت این موضوع سبب شده تا قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷ ابلاغیه فراهم نمودن زمینه نهادینه سازی این حقوق را در مناطق کشور به دستگاههای زیرمجموعه صادر نماید. براساس نظریاتی که در بخش نخست به آن اشاره شد، حقوق شهروندی معیار مناسبی برای وجود شاخصه‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شود، لذا ارزیابی این موضوع که شوراهای به عنوان نهادی مدنی توانسته‌اند نقش مهمی در رشد و توسعه انسانی در مناطق شهری و روستایی هرمزگان ایفا نمایند می‌تواند مفید و قابل اهمیت باشد.

نتایج پژوهش و بررسی فرضیه‌ها گویای آشنایی شهروندان مورد مطالعه با ماهیت و وظایف قانونی شوراهای در حوزه‌هایی که شوراهای فعال بوده‌اند، می‌باشد. در راستای این آشنایی، رابطه مشخص و معناداری میان فعالیت شوراهای در مناطق و روستاها و آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی وجود داشته است. نتیجه این آشنایی فقط جنبه نظری و تئوریک نداشته است، بلکه نتیجه پژوهش گویای

تلاش شهروندان برای رعایت حقوق شهروندی در روابط انسانی و اجتماعی میان خود بوده است. در این حوزه ها رعایت حقوق اجتماعی به عنوان یک ارزش برتر مورد توجه افراد بوده است. نتیجه گیری نشان دهنده تأثیر مثبت و سازنده شوراهای اسلامی در روستاها در آشنایی شهروندان و مردم با حقوق شهروندی و اجتماعی آن‌ها و افزایش مشارکت فرهنگی و ایجاد ذهنیت سازنده و مثبت و عملگرا بجای ذهنیت‌های بدبینانه تاریخی میان آن‌ها بوده است. شوراهای در تمامی حوزه‌های که فعالیت محسوس داشته اند، توانسته‌اند شاخص آگاهی از حقوق اجتماعی و شهروندی را میان ساکنین روستاها در استان هرمزگان بالا ببرند و زمینه‌ها رفتار توأم با مسئولیت و همبستگی اجتماعی با توجه به رعایت حقوق خود و دیگران را فراهم نمایند.

نتایج پژوهش «بررسی تطبیقی تأثیر شوراهای اسلامی بر آشنایی شهروندان هرمزگانی با حقوق شهروندی» نشان دهنده حوزه‌های ناشناخته و بکر در ارزیابی تأثیر شوراهای به عنوان یک نهاد مدنی در استان هرمزگان می‌باشد. این تحقیق تا رسیدن به نتیجه نهایی با موانعی روبرو بوده که برای هر تحقیق دیگر خصوصاً در حوزه‌های کمتر مورد مطالعه قرار گرفته وجود دارد. از جمله این موانع می‌توان از متغیرهای مداخله‌گر که کنترل آن‌ها بطور کامل امکان پذیر نبود و عواملی همزمانی که به موازات مراحل تحقیق و پرسشگری نقش تأثیرگذاری را در جمع‌آوری اطلاعات تحقیق ایفا نمودند، نام برد. قومیت‌گرایی در محلات شهر و روستاها، احساس ناامنی از نتایج تحقیق توسط پاسخگویان، تعصبات و اختلافات محلی و بعضاً بانندی در مناطق جمع‌آوری اطلاعات از جمله این عوامل تأثیرگذار بر پژوهش بودند. با اینحال تلاش بر این بوده تا در ارزیابی دیدگاه پرسش‌شوندگان و تأثیر ذهنی و عملی وجود شوراهای بر شاخص‌های مورد توجه تحقیق، نزدیک‌ترین اطلاعات به واقعیت جمع‌آوری شود و این امر از طریق توجیه پاسخگویان نسبت به سوالات پرسشنامه‌ها و قشربندی و دسته‌بندی مناسب براساس واقعیت‌های جمعیتی، جنسیتی، شغلی، درآمدی و ... افراد، در جامعه مورد بررسی، محقق شد. تلاش محقق بر این بوده که در همه مراحل تحقیق خصوصاً جمع‌آوری اطلاعات با درک عوامل تأثیرگذار، ذهنیت عینی پرسش‌شوندگان را از میزان کارآمدی و تأثیرگذاری شوراهای استخراج نماید.

با این حال، از آنجا که این تحقیق در حوزه‌های مورد مطالعه در استان هرمزگان در نوع خود بکر و اولیه محسوب می‌شود، افق روشنی را برای ارزیابی‌های آینده و استفاده کاربردی از تأثیر شوراهای توسط دستگاه‌هایی اجرایی مرتبط با شوراهای ایجاد می‌کند. به طوری که طبق نتایج این پژوهش به موازات فعال بودن شوراهای در برخی از شاخصه‌های مورد ارزیابی تحقیق، میزان آگاهی پاسخگویان از اقشار مختلف نسبت به حقوق شهروندی خود بیشتر بوده و در نتیجه تلاش مسئولان شهروندان نسبت به این آگاهی و رعایت حقوق شهروندی نیز افزایش یافته است. پیشنهادات ذیل می‌تواند در آشنایی شهروندان با حقوق شهروندان و اثرگذاری این آشنایی توسط شوراهای هرمزگانی تأثیر داشته باشد:

- ۱- توجه اعضاء شوراها نسبت به اهميت موضوع و مقوله حقوق شهروندی
- ۲- توجه به برنامه‌های ترویجی و تبلیغی
- ۳- چاپ مجله و بروشور
- ۴- برگزاری همایش ها و میزگردها
- ۵- برگزاری دوره‌های مهارتی و آموزشی
- ۶- تقویت نهادها و سازمانهای غیر دولتی و مردم نهاد توسط شوراها
- ۷- برگزاری دوره‌های کاربردی و عملی و مشورتی در جهت تمرین کارگروهی و افزایش میزان مشارکت عمومی.

منابع و مأخذ

- ۱- آل کجاف، حسین، (۱۳۸۷)، شوراهای اسلامی در نظام حقوقی ایران، تهران: نشر پیام پویا، چاپ اول.
- ۲- تاجرنیا، علی، (۱۳۸۲)، «قانون تشکیلات، اختیارات و وظایف شوراها»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی، تهران: نشر پژوهاک جامعه، چاپ اول.
- ۳- چوپانی بزدلی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، جایگاه حقوقی سیاسی شوراها در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد وزارت کشور.
- ۴- شکیبامقدم، محمد، (۱۳۷۸)، مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری ها، تهران: انتشارات میر، چاپ اول.
- ۵- طاهری، ابولقاسم، (۱۳۷۷)، اداره امور شهرداری ها، تهران: نشر سمت، چاپ سوم.
- ۶- طاهری، ابولقاسم، (۱۳۷۸)، حکومت‌های محلی و عدم تمرکز، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
- ۷- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۷۷)، حقوق اداری، تهران: نشر سمت، چاپ چهارم.
- ۸- گرجی ازندریانی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، چشم‌انداز تمرکززدایی در بستر شوراهای اسلامی، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.
- ۹- کریمی، وهاب، (۱۳۸۱)، بررسی الگوهای شناخته شده شوراهای محلی در جهان، تهران: چاپ معاونت اجتماعی وزارت کشور.
- ۱۰- قاسمی حامد، عباس، (۱۳۸۱)، «نظارت پذیری شوراها در چارچوب حقوق شهری»، مجموعه مقالات همایش شوراهای اسلامی، وزارت کشور.
- ۱۱- قاضی، ابولفضل، (۱۳۷۱)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج اول، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- ۱۲- مدنی، سیدجلال الدین، (۱۳۷۷)، حقوق و وظایف شوراهای اسلامی، تهران: نشر پایدار، چاپ دوم.
- ۱۳- منتظری، سیداکبر، (۱۳۸۴)، مجموعه کامل قوانین و مقررات شوراهای اسلامی، قم: نشر بیت الأحران، چاپ دوم.
- ۱۴- هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۱)، تقریرات درس مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- ۱۵- هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم.